

سورن کیرگور

# تکرار

جستاری در روان‌شناسی تجربی

ترجمه‌ی صالح نجفی



## فهرست

۱	یادداشت مترجم
۱۷	بخش اول
۸۳	بخش دوم
۱۵۲	مؤخره
۱۶۵	نمایه

## یادداشت مترجم

۱۸۴۳ برای کیرکگور سالی حیرت‌انگیز بود، سرشار از خلاقیت و تولید: اندیشه‌های او که مدت زمانی طولانی، آهسته و پیوسته، در ذهنش قوام می‌یافت، به گفتهٔ خودش به یکباره «چون آبشاری کوچک بر سرم فرو می‌ریزند: کودکانی تندرست، شاداب، شکوفان، و نیکبخت، زادهٔ آرامش و با این حال همگی با لکهٔ مادرزادیِ شخصیت من». در پایان آن سال، کیرکگور علاوه بر *یا این یا آن* دو کتاب دیگر با نام مستعار منتشر کرده بود، *ترس و لرز و تکرار*، و همچنین سه مجموعه از *خطبه‌های تهنیدکننده* که با نام خودش نوشته بود. اگرچه *ترس و لرز و تکرار* با دو نام مستعار متفاوت نوشته شدند، در یک روز به انتشار رسیدند و معنایشان زمانی به نحو اکمل روشن می‌شود که خواننده آنها را به اتفاق هم بخواند: هر دو معضله‌ای اخلاقی را مطرح می‌کنند، از جنس قیاسی ذوحدین (dilemma)، و هر دو در موضوعاتی یکسان کندوکاو می‌کنند: ایمان یا وفاداری، خسران و رنج، و هر دو نشان می‌دهند که اندیشهٔ عقل‌مدار قادر به درک جامع هستی انضمامی آدمی نیست. *تکرار* به توصیف یک نامزدی ناتمام می‌پردازد اما *ترس و لرز* قصهٔ ابراهیم و اسحاق عهد عتیق را واریسی می‌کند.

کیرکگور مابقی عمر خود را عمدتاً به نوشتن گذراند. در خانه کار می‌کرد، پشت میز تحریر بلندش می‌ایستاد یا غرق تأمل در اندیشه‌هایش

اتاق را گز می‌کرد. سبک نوشتنش به اندازه محتوای نوشته‌هایش مهم است چراکه او قصد دارد از طریق نوشته‌هایش خواننده را بی‌قرار سازد، تحریک کند و مجاب سازد. کیرکگور وقتی می‌نوشت نوشته‌هایش را به صدای بلند برای خودش می‌خواند تا ضرباهنگ و تأثیر بلاغی جمله‌هایش را بسنجد. اگرچه او بیشتر وقت‌ها تنها بود، در ضمن بسیار اجتماعی و خوش‌مشراب بود و دوست می‌داشت به هنگام فراغت از کار به پیاده‌روی‌های طولانی در خیابان‌های شهر بپردازد. او در کپنهاگن به شهرت رسید، نه فقط به جهت فعالیت ادبی‌اش بلکه به لطف شخصیت نامتعارف‌اش (زمان زیادی لازم نبود تا آدم‌ها تشخیص دهند نویسنده واقعی کتاب‌هایی که او با نام مستعار می‌نوشت کیست)، و آشنایان زیادی هم داشت که هرگاه دست بر قضا به یکی از ایشان در خیابان برمی‌خورد می‌ایستاد تا گپ بزند. با این همه، شهرت او در سال ۱۸۴۵ به شدت لطمه دید، زمانی که او مجله‌ای فکاهی به نام *کورزارن*<sup>۱</sup> (به معنای دزد دریایی) را تحریک کرد تا به او حمله کند: کیرکگور نامه‌ای نوشت و در آن مجله مذکور و هیئت تحریریه‌اش را به باد انتقاد گرفت و *کورزارن* چند ماه پس از آن، به تلافی، کاریکاتورهایی تحقیرآمیز چاپ کرد که او را با کلاه سیلندر بزرگ و شلوار بی‌قواره‌اش نشان می‌داد. حال، وقتی برای پیاده‌روی از خانه بیرون می‌زد، مغازه‌داران و رهگذران به او می‌خندیدند و بچه‌ها متلک بارش می‌کردند. نکته عجیب — و جذاب — درباره «غائله کورزارن» این است که کیرکگور خواسته و دانسته طالب این بدرفتاری‌ها و دست‌انداختن‌ها بود.

کیرکگور در سال‌های دهه ۱۸۴۰ بسیار پرکار بود و مهم‌ترین کارهای فلسفی خود را در فاصله ۱۸۴۳ و ۱۸۴۹ نوشت: علاوه بر سه کتابی که در ۱۸۴۳ منتشر کرد، *خرده‌نان‌های فلسفی* که درباره آموزه تجسد در مسیحیت

۱. کورزارن (Corsaren) هفته‌نامه فکاهی و سیاسی دانمارکی بود به سردبیری منیر آرون گلداسمیت که اکثر مطالب آن را خود می‌نوشت. این مجله در کپنهاگن دانمارک و از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۶ منتشر می‌شد. م

بحث می‌کند؛ *مفهوم اضطراب*، تجزیه و تحلیل موی‌شکاف مفهوم گناهکاری ذاتی؛ *تعلیق غیرعلمی نهایی بر خرده‌نان‌های فلسفی*، کتابی حجیم درباره «مسأله مسیحی شدن» (*صیوروت مسیحی* در تقابل با وجود مسیحی)؛ و *مرض تا به موت*: که تجربه‌نومیدی را از منظر روان‌شناسی می‌کاود و اظهار می‌دارد که بر نومیدی فقط از طریق زیست‌شناسی مسیحی می‌توان غلبه کرد، حیاتی مبتنی بر ایمان و آمرزش. همه این کتاب‌ها با نام‌های مستعار گوناگون منتشر شدند، و همانطور که از عنوان‌هاشان برمی‌آید بنا نبود هیچکدام آسان‌خوان باشد. *تعلیق غیرعلمی نهایی* که همانند *خرده‌نان‌های فلسفی* با نام مستعار یوهانس کلیماکوس نوشته شد شامل متنی است که او در مرور و بررسی متن‌های دارای نام مستعار قبلی‌اش نوشت و هدف‌ها و روش‌های آنها را یک جا به بحث می‌گذارد. این کتاب با فصلی به پایان می‌رسد که امضای خود کیرکگور را دارد، با عنوان «اولین و آخرین توضیح»: او در این متن تصدیق می‌کند که خود نویسنده همه کتاب‌هایی است که با نام مستعار به نشر رسانده است و رابطه خود را با آن نام‌های مستعار توضیح می‌دهد.

کیرکگور در ضمن به انتشار منظم مجموعه‌هایی از *خطبه‌های تهذیب‌کننده* به نام خودش ادامه داد، و این منشآت مذهبی که، به سان موعظه‌های کلیسایی، مبدأ بحث خود را متن کوتاهی از کتاب مقدس می‌گیرند آسان‌یاب‌تر از کتاب‌هایی‌اند که کیرکگور با نام مستعار می‌نوشت، هرچند کسانی که به فلسفه کیرکگور علاقه دارند آنها را کمتر می‌خوانند. البته محتوای آنها به متن‌های دارای نام مستعار او بی‌ربط نیست. نوشته‌های کیرکگور از ۱۸۵۰ تا پایان عمرش دم به دم جدلی‌تر شد و او چند متن در حمله به مسیحیت زمانه خود و اعضای برجسته و عالی‌رتبه کلیسای دانمارک منتشر کرد. این جدلیات که به سیاق خطبه‌های دینی‌اش به نام خود کیرکگور نوشته شدند جنجال فراوانی به پا کردند (و بی‌تردید او از این بابت خرسند بود) و در سراسر کشورهای اسکاندیناوی سبب‌ساز بحث و جدل‌های بسیار شد. در